ذات‌الله نیک‌زاد[1]

سیمای مسجد جامع عتیق شیراز در روزگار قاجاریه

چکیده

مسجد جامع عتیق شیراز، که در هستهٔ کهن شهر واقع شده، هنگام فرمانروایی عمرولیث صفاری در سدهٔ سوم هجری بنیان یافت. این بنا در گذر زمان دچار تحولات و دگرگونی‌هایی از قبیل توسعه، خرابی، تعمیر و تغییر شده، که همهٔ آن‌ها به‌خوبی روشن نیست. در سدهٔ پنجم هجری، مسجد وسعت داشت و در ردیف مساجد جامع مشهور جهان اسلام معتبر بود. در سدهٔ هشتم هجری، هنگامی که خدای‌خانه (بیت‌المصاحف) با معماری خاصی در میان صحن ساخته می‌شد، مسجد گنجایش هزار نفر نمازگزار داشت. در دورهٔ صفویه، با برپایی ایوان‌ها و دیگر اندام‌ها، مسجد عتیق به کامل‌ترین ساختار فضایی رسید و بر آرایه‌های آن افزوده شد. در کنار تحولات سیاسی و آبادانی و توسعهٔ شهری، زمین‌لرزه‌های مهیبی در شیراز روی داد که موجب خرابی بسیاری از بناها و زیرساخت‌های شهر، به‌ویژه در دورهٔ قاجاریه، شد. مسجد جامع عتیق از این بلای طبیعی بی‌نصیب نبوده است. مسجد، با رسیدن به دورهٔ قاجاریه، حامل بسیاری از داده‌ها و شواهد تاریخی بود. تاریخ تحولات مسجد در دورهٔ قاجاریه در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و اندک اشاراتی صریح می‌توان یافت. جز اشاراتی پراکنده و کم‌شمار، پژوهش مستقلی در این باره صورت نگرفته است. در این پژوهش، ضمن شرح وضع عمومی مسجد در زمان قاجاریه، هدف این است که اسناد و شواهد اقدامات ساختمانی صورت‌گرفته در مسجد پی‌جویی و اهداف آن روشن شود تا بتوان روایتی از حیات این بنا در مقطع تاریخی یادشده به‌دست داد. پرسش مقاله این است که سیمای دورهٔ قاجاری مسجد عتیق قاجار در سایهٔ تحولات ساختمانی چگونه بوده است. کار تعمیرات و نوسازی‌های حدود یک‌سدهٔ اخیر در مسجد چنان گسترده و عمیق بوده که کار ردیابی این شواهد را با دشواری روبه‌رو می‌سازد. مطابق اسناد تصویری به‌جامانده و توصیف‌هایی که سیاحان خارجی و دیدارکنندگان ایرانی از این بنای کهن به‌دست داده‌اند، وضع مسجد در این روزگار تا حدودی قابل درک می‌شود. در یک تصویر کلی، مسجد عتیق، با وجود ارزش‌های تاریخی و صنعتی (هنری) و اعتقادی، به‌سبب وقوع زمین‌لرزه‌های مداوم و رسیدگی نکردن اساسی و گسترده، اوضاع مناسبی نداشت و در یک تلاطم حیاتی به‌سر می‌بُرد. با وجود ویرانی گسترده، تعمیرات و گاه نوسازی‌هایی چند به‌دست کسانی چون ابراهیم‌خان کلانتر شیرازی در مسجد عتیق صورت می‌گرفت.

کلیدواژه‌ها: شیراز، مسجد جامع عتیق شیراز، دورهٔ قاجار

مقدمه

مسجد عتیق شیراز بنای کهنی است که در سدهٔ سوم هجری بنیان یافته و، در گذر زمان، به‌سبب عوامل انسانی یا بر اثر رویدادهای طبیعی، دچار تحولات و دگرگونی‌هایی شده است: از طرفی، در ادوار تاریخی، در بناهایی همچون جامع عتیق، که اندام مهم شهر و گاه قلب تپندهٔ آن محسوب می‌شد، تعمیراتی صورت می‌گرفت. از سویی، حوادث طبیعی، همچون زمین‌لرزه‌های مهیب، بسیاری از بناها و زیرساخت‌های شهر در دورهٔ قاجاریه را تخریب کرد. باید پنداشت مسجد جامع عتیق از این بلای طبیعی بی‌نصیب نبوده است. با این حال، جز اشاراتی پراکنده و کم‌شمار، پژوهش مستقلی دراین‌باره صورت نگرفته است. در این پژوهش به‌دنبال آنیم که، ضمن شرح وضع مسجد در زمان قاجاریه، اسناد و شواهد اقدامات ساختمانی صورت‌گرفته در مسجد را بجوییم و اهداف آن را دریابیم. اما کار تعمیرات و نوسازی‌های حدود یک‌سدهٔ اخیر در مسجد چنان گسترده و عمیق بوده که کار ردیابی این شواهد را با دشواری روبرو می‌سازد. مطابق اسناد تصویری به‌جامانده و توصیف‌هایی که سیاحان خارجی و دیدارکنندگان ایرانی از این بنای کهن به‌دست داده‌اند وضع مسجد در این روزگار تا حدودی قابل درک می‌شود. مسجد عتیق، با وجود ارزش‌های تاریخی و صنعتی (هنری) و اعتقادی، از اوضاع مناسبی در دورهٔ قاجاریه برخوردار نبود.

شیراز در دوران قاجاریه از نظر تحولات حاکمیتی و شهری وضعیتی پرتلاطم داشته است. این شهر، که در دورهٔ زندیه دوران پایتختی را می‌گذراند، پس از تصرف خان قاجار، که پیش‌تر در آن به‌عنوان اسیری محترم می‌زیست، مورد بی‌توجهی قرار گرفت و افول کرد. حصار و باروی شهر مطمور و خندق‌هایش پُر شد و بی‌حفاظ ماند. اجزای بناهای باشکوه و پرزینتش برکنده و به تهران حمل می‌شد تا زیبندهٔ کاخ‌های تازه‌ساز شود. کوچ‌های اجباری و تغییر در ساختار جمعیتی و بسیاری مسایل دیگر را می‌توان به این عوامل افزود. با گذشت چند دهه از تشکیل حکومت قاجاریه، شهر رو به آبادانی رفته و توسعه می‌یافت. وجود انبوه خانه‌ها،

بناهای عمومی و مذهبی، مستحدثات حکومتی و باغات دل‌انگیز، گویای دورهٔ رشد و ترقی شهر در سدهٔ سیزدهم و چهاردهم هجری است.

مسجد جامع عتیق واقع، در محدودهٔ کهن شهر، حدفاصل محله‌های اسحق بیک، لب آب، سر دزک و بازار مرغ نهاده شده است.[۲] بنا در سوی شمال به مسجد طبالیون و بافت مسکونی پشت آن، در سوی غرب به مدرسهٔ مقیمیه و مسجد و بافت مسکونی متصل بدان، از سوی غرب، به بازار قدیم و زیارتگاه شاهچراغ و از سوی شرق به کوچه و خانه‌های مردم شهر متصل می‌شد. خرابی‌های سال‌های اخیر بافت اطراف را به مخاطره انداخته و اصالت پیرامون مسجد مخدوش شده است. از این‌روی، فهم سیمای دورهٔ قاجاری مسجد با جستجوی میدانی و به‌یاری اسناد تصویری و اسناد مکتوب ممکن خواهد شد.

ویلبر تاریخ مسجد را تا زمان زندیه و انجام ندادن کاری برای این بنای کهن به‌پایان برده و از دورهٔ قاجاریه گفتگویی به‌میان نیاورده است.[۳] بهروزی اظهار داشته که کریم‌خان زند قصد تعمیر مسجد کرد، اما پس از چندی از آن انصراف داد. پس از آن نیز کسی سراغ مسجد نرفت و چنین شهرت داشت که اگر کسی به تعمیر مسجد بپردازد فوری می‌میرد و حتی در سال ۱۳۱۵ش نیز ادارهٔ باستان‌شناسی فارس به این نتیجه رسیده بود که مسجد قابل تعمیر نیست. بنابراین از مرمت باقی مسجد مأیوس شد و فقط دور خدای‌خانه را محصور ساخت و به مرمتش پرداخت.[۴] شیبانی و نیک‌زاد گاهنگاری مسجد را تا انتهای دورهٔ صفوی برده و سپس به دگرگونی‌های معاصر بنا پرداخته‌اند.[۵] در مجموع، وضع مسجد، در روزگار قاجاریه، در هاله‌ای از ابهام گذشته است. با این وصف، فهم سیما و وضعیت مسجد در روزگار قاجاریه، از این‌روی که واپسین منظر اصیل مسجد را نشان می‌دهد، اهمیت دارد.

بحث و بررسی

۱. بنیان و تحولات تاریخی مسجد جامع عتیق

بنا به گزارش‌های تاریخی، مسجد جامع شیراز به‌دستور عمرولیث صفاری در ۲۸۱ق بنیان نهاد شد.[۶] به توصیف مقدسی در سدهٔ چهارم هجری، مسجد شیراز بنایی با طرح شبستانی بود که ستون‌های گرد و طاق‌بندی داشت و با مسجد شام و اقصی پهلو می‌زد.[۷] نقش گیاهی و مرواریدیِ گچ‌بری، که از بین رفته و آن را پوپ و ویلبر ثبت کرده بودند، و بقایای برخی ستون‌ها در بخش قِبلی مسجد می‌تواند مؤید همین اقوال باشد. در سدهٔ پنجم هجری، به‌نظر ابن‌بلخی، جامع شیراز جایی فاضل بود[۸] و دوران آبادانی را می‌گذراند.

ابن‌بطوطه در نیمهٔ نخست سدهٔ هشتم هجری مسجد عتیق را دیده و آن را به‌داشتن صحنی گشادهٔ مفروش به سنگ مرمر ستوده و تخمین زده که دو هزار نفر برای ادای نماز به این مسجد می‌آمدند.[۹] بنای خدای‌خانه (بیت‌المصاحف) واقع در میان صحن مسجد به‌گمان در روزگار سامانیان برپا شده[۱۰] و با استناد به‌سی‌پاره‌های قدیمی مورخ ۵۶۸ق، که وقف بر بیت‌المصاحف شده،[۱۱] چنین تاریخی دور از ذهن نیست. بیت‌المصاحف در ۷۵۲ق، به‌دستور شیخ ابواسحق اینجو، به‌وضعی جدید ساخته و پرداخته شد. این تاریخ بر کتیبهٔ کاشی نشانده بر سنگ بالای بنا خوانده می‌شود.[۱۲]

نگاره‌ای منتسب به بهزاد در ظفرنامهٔ تیموری در دست است که مسجد عتیق را در ۹۳۵ق، زمان شاه طهماسب، با روایتی از دورهٔ تیمور نشان می‌دهد.[۱۳] مطابق این سند، مسجد مناره‌ای مزین به کاشی و ایوانی دارد. هرچند منارهٔ مسجد اکنون موجود نیست، اما این نشان می‌دهد که در دورهٔ تیموری تا رسیدن به حکومت صفویه، کارهای ساختمانی مسجد متوقف نمانده بود.

در روزگار صفویه، اقدامات گسترده‌ای در مسجد صورت گرفته، به‌طوری‌که ۱۰ کتیبه از این زمان برجای مانده است. تا پیش از سدهٔ دهم هجری، مسجد ساختار و نمای سنگی داشت، اما نماسازی با آجر و کاشی از مشخصه‌های معماری دورهٔ صفویه در مسجد محسوب

می‌شود. ایوان جنوبی، در محور قبله، به‌تاریخ ۹۷۳ق به مسجد افزوده شد که ساختار آجری دارد و مزین به نقوش پرکار کاشی است.[۱۴] به‌گمان هم‌زمان با ایوان، دو فرش‌انداز به شبستان کل ضلع جنوبی مسجد افزوده شد. به این ترتیب، شبستان گسترش یافت و از وسعت صحن کاسته شد. ساخت سردر ورودی جنوب غربی و هشتی متصل بدان به‌تاریخ ۱۰۲۷ق و سردر شمال غربی به همین تاریخ، که پوشیده از آرایه‌های کاشی و کتیبه است، از اقدامات دورهٔ شاه عباس به‌شمار می‌رود. سردر باعظمت و گشادهٔ شمالی مسجد، مزین به آرایه‌های کاشی و سنگ، با هشتی و دالان متصلش به‌تاریخ ۱۰۲۸ق برپا گردید.[۱۵] این ورودی پیش از این با هیئت دیگری وجود داشت. ایوان شرقی دیگر افزودهٔ دورهٔ صفویه به تاریخی ۱۰۳۴ق است. امامقلی‌خان، فرمانروای فارس، بانی همهٔ اقدامات ریز و درشت مسجد عتیق بوده است.

روزگار زندیه، دوران رونق و شکوه شیراز بود، اما عجب است که شواهد ساختمانی یا اخباری از این زمان دربارهٔ مسجد عتیق به‌دست نمی‌آید. تنها سندِ در دست کتیبه‌های سنگی کوچکی به تاریخ ۱۱۸۵ و ۱۱۹۳ق، از روزگار کریم‌خان است،[۱۶] که گمان می‌رود مربوط به تعمیراتی جزئی در بنای مسجد باشد. زمین‌لرزه‌ای در ۱۱۸۰ق شیراز را لرزاند[۱۷] و به بناهای شهر آسیب رساند. دربارهٔ وضع مسجد در روزگار قاجاریه در ادامه بحث خواهد شد.

۲. سیمای مسجد در روزگار قاجاریه

با اینکه دوران قاجاریه (سدهٔ سیزدهم و چهاردهم هجری) از زمان ما چندان دور نیست، اما عجبا که از وضع مسجد در این دوره آگاهی کمی وجود دارد. در دورهٔ پهلوی نخست و دوم، دگرگونی‌های ساختمانی فراوانی در مسجد پدید آمده و از این‌رو شواهد و آثار بسیاری از تحولات دورهٔ قاجاریه و پیش از آن پوشیده یا برچیده شده است. با این حال، اشاراتی پراکنده لابه‌لای تاریخ‌نامه‌ها و دیگر اسناد نوشتاری می‌تواند گزارشی از وضع مسجد تلقی شود. همچنین سیاحان و پژوهندگانی که مسجد را دیده یا اسناد تصویری از این بنا ثبت کرده‌اند، در تحلیل و بازنمایی وضعیت مسجدِ دورهٔ قاجاریه مفید و یاری‌رسان خواهد بود.

۲-۱. وضع پیرامون مسجد

مسجد عتیق در دورهٔ قاجاریه در میان بافت فشرده و اندام‌وار قدیم شیراز استقرار داشت. بناهای عمومی و خانه‌ها بافت فشرده‌ای را شکل داده بودند که با گذر از کوچه‌ها امکان رسیدن به مسجد وجود داشت (ت ۱). معدود مسجد و مدرسه‌ای واحد بزرگ‌تری را شکل می‌داد. مسجد عتیق در این روزگار، همچون روزگاران گذشته، علاوه بر قرار داشتن در جایگاه عبادتگاهی کهن،

ت ۱. نقشهٔ شهر شیراز در دورهٔ قاجاریه، ۱۸۵۰م/۱۲۶۶ش. موقعیت مسجد جامع عتیق در بافت شهر مشخص شده است. مأخذ: مهریار و دیگران، اسناد تصویری شهرهای ایران: ۲۲۶.

ت ۲. عکس هوایی مسجد، موضع ورودی‌ها و بافت پیرامون که می‌تواند تا حدودی نمایانگر وضع دورهٔ قاجاریه باشد مأخذ: Wilber, *The Masjid-i 'Atiq of Shiraz*, 33.

نقش فضای تقسیم شهری را ایفا می‌کرد و با گذشت سده‌ها و باوجود دگرگونی‌های دورهٔ قاجاریه در شهر، مسجد جامع همچنان محل آمدن مردم از هر محله‌ای و سپس عبور از صحن و رفتن به محله‌های دیگر بود. پنج درآیگاه مسجد در سه سو این امکان را فراهم می‌ساختند (ت ۲). اغلب ورودی‌ها و سردرهایشان پیش از قاجاریه وجود داشتند، ازجمله تاریخ دورهٔ صفویه بر ورودی شمالی و دو ورودی غربی نوشته شده است. سردر شمالی مسجد، مشهور به دوازده امام، دری کهن بود که بنا به اظهار ابن بطوطه در سدهٔ هشتم هجری وجود داشت[۱۸] و در دورهٔ صفویه نوسازی شده بود.

کوچه‌ای در سوی غربی مسجد قرار داشت که حد فاصل زیارتگاه شاهچراغ و مسجد جامع بود و دو سردر غربی به‌آن سو گشوده می‌شد (ت ۲). اینک، در اثر توسعهٔ ساختمانی، کوچه اشغال شده هر دو سردر داخل زیارتگاه شاهچراغ واقع شده‌اند. یک سردر در فضای بسته و دیگری در حیاطی کوچک قرار دارد. مسجد کوچک آجری و مدرسه‌ای مجاور آن متصل به ضلع قِبلی مسجد جامع در دورهٔ قاجاریه وجود داشت. مطابق مندرجات فارسنامهٔ ناصری، مسجد جامع قبرستانی داشته[۱۹] که جای آن معلوم نیست.

۲-۲. وصف بنای مسجد

با وجود کمبود منابع و اشارات تاریخی، حیات مسجد را در این روزگار باید بین زمین‌لرزه‌های ویرانگری تصور کرد که موجودیت بنا را هر آن به‌خطر می‌انداختند. ظاهراً در تاریخ‌نامه‌ها و سفرنامه‌های دورهٔ قاجاریه، تا پیش از رسیدن به نیمهٔ دوم سدهٔ سیزدهم هجری، گزارشی دربارهٔ این مسجد در دست نیست. احتمالاً زندگی و کارکرد معمول مسجد به‌حال خود جریان داشت، اما تعمیرات یا توسعهٔ چشمگیری در بنای آن صورت نمی‌گرفت، زیرا این مسجد از شهرت کافی برخوردار بود و، اگر کسی در عمارتش دستی برده بود، می‌بایست در جایی به ثبت می‌رسید: در تاریخ‌نامه‌ها یا در کتیبه‌هایی که بنا به عادت در بناها به‌جا می‌گذاشتند.

در سدهٔ سیزدهم و چهاردهم هجری، مسجد جامع عتیق مجموعه‌ای است از فضاها و عناصری که در دوره‌های گوناگون تاریخی ساخته و مرمت شده بود. شرح آن در بیان تحولات مسجد گفته شد. نقشه‌ای که دانلد ویلبر در ۱۳۱۴ش از مسجد کشیده، با در نظر نگرفتن ویرانی‌ها، وضع تقریبی ته‌رنگ بنا را نشان می‌دهد (ت ۳). مسجد در این زمان متشکل از صحنی گشاده است و بنای بیت‌المصاحف (خدای‌خانه) در منتهی‌الیه جنوبی صحن قرار دارد. میرزا فرصت شیرازی، درازای فضای مسجد را یکصد قدم و پهنای آن را شصت قدم برآورد کرده که مشتمل بر شبستان‌های متعدد و عمارات فوقانیه است.[۲۰] اعتمادالسلطنه نیز این جامع را مسجدی وسیع مشتمل بر عمارات و معابد بسیار[۲۱] توصیف کرده است. فضای اصلی سرپوشیده که مشتمل بر شبستان‌هایی است، در بخش قِبلی مسجد گسترده است و در گام بعد ضلع شمالی برخوردار از شبستان است. دو ضلع دیگر همچون رواقی می‌نمایند. مسجد عتیق در این زمان بنایی سه ایوانی شمرده می‌شود. گرچه دهانهٔ میانی ضلع غربی گشاده‌تر می‌نماید، اما نمی‌توان آن را ایوان قلمداد کرد. ایوان شمالی عمیق‌تر از دیگر ایوان‌هاست و، با توجه به دگرگونی پسین پدیدآمده، شکل و شمایل آن را نمی‌توان حدس زد. ایوان جنوبی در دو اشکوب، با گوشواره‌های جانبی و آرایه‌های کاشی معرق و معقلی‌های نفیس صفوی، اندام موزون مسجد را متصور می‌سازد. ایوان شرقی با کم‌عمق کم‌تر و آرایه‌های کاشی و آجر بر زیبایی مسجد می‌افزاید. ورودی شمالی را باید پرکارتر، مفصل‌تر و چشمگیرتر از چهار درآیگاه دیگر متصور شد که از سردر، هشتی و راهرو تشکیل می‌شود. به‌طور کلی، نمای غالب صحن و بیرون مسجد از سنگ تراش خورده و مصالح اصلی بنا از سنگ است و سه ایوان یادشده به‌انضمام سردرها مزین به کاشی‌های رنگین و باظرافت که با آجر ساخته شدند.

جز آنچه دربارهٔ معماری مسجد گفته شد، اندک آگاهی دربارهٔ دیگر جنبه‌های بنا می‌توان کسب کرد. ازجمله اینکه سلسلهٔ مشایخ اشتغال به امامت مسجد جامع عتیق داشتند. امامت مسجد را چندی شیخ محمد پیش‌نماز[۲۲] و چندی شیخ مهدی شیرازی پسر شیخ جعفر برعهده داشت.[۲۳]

ظاهراً رسم بوده که شیرازی‌ها تازه واردان و

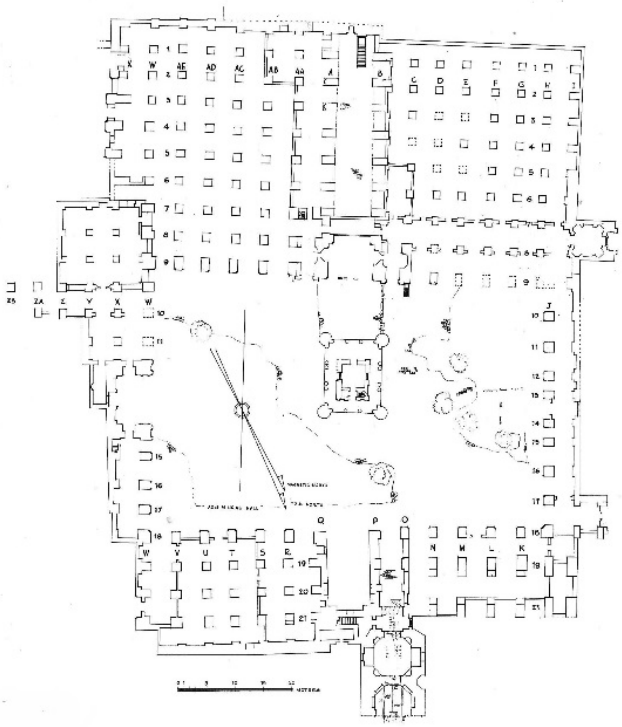

ت ۳. پلان مسجد جامع عتیق که ویلبر کشیده است. مأخذ: Wilber, *The Masjid-i 'Atiq of Shiraz*, 75.

مهمانان را به تماشای مسجد جامع عتیق می‌بردند، چنان‌که میرزا آسودهٔ شاعر در ۱۲۹۴ق حاج سیاح محلاتی را به تماشای مسجد جامع برد.[۲۴] در زمان قاجاریه، هرچند دیدن اماکن مذهبی مسلمانان برای غیرمسلمانان ممنوع بود، لیکن برخی سیاحان و محققان خارجی موفق به این کار می‌شدند. خانم و آقای دیولافوآ یکی از این کسان بودند که ملّایی آن‌ها را راهنمایی می‌کرد.[۲۵]

۳-۲. عالی‌ها سافل شده: شرح ویرانی مسجد

شیراز در منطقه‌ای لرزه‌خیز قرار گرفته و در دورهٔ قاجاریه زمین‌لرزه‌های چندی در این شهر حادث شد بود که هریک خرابی‌های زیادی در شهر پدید آورد. براساس فارسنامهٔ ناصری، عید نوروز ۱۲۳۹ق، مطابق با شب نوزدهم ماه رجب و همچنین در ماه شوال، زمین‌لرزهٔ شدیدی در کازرون و شیراز روی داد «که بیشتر عمارات قدیم و جدید از مساجد و مدارس و بقاع و خانه‌ها، عالی‌ها سافل‌ها آمد.»[۲۶] چند روز بعد لرزه تکرار شد. وصال شیرازی در شعری از این زمین‌لرزه و ویرانی‌های آن یاد کرده است.

«به‌خاک اندر آمد یکی زلزله
جهان روز محشر شد از ولوله
از آن شهر و بازار و ایوان کاخ
به‌جا ماند دشتی همه سنگلاخ
ز مسجد ز بازار و ایوان و باغ
اگر جویی، از جغد می‌جو سراغ»[۲۷]

هرچند گزارش اختصاصی از وضع مسجد جامع عتیق در دست نیست، اما دور از واقع نیست که بپنداریم بنا در این رویداد آسیب جدی دیده و خلل در آن راه یافته و بخش‌هایی از آن ویران شده باشد.

سی سال بعد از آن، در ۲۵ رجب ۱۲۶۹ق، زمین‌لرزه‌ای در شیراز گزارش شده‌است. لرزش زمین به‌حدی بود که بسیاری از خانه‌های مردم از بن برآمده، ۱۲۰۰ کس هلاک شده و از بوی مردگان هوا متعفّن شده بود.[۲۸] بنا به اشارهٔ فارسنامهٔ ناصری، این رویداد موجب خرابی بسیاری از بناها شده بود.[۲۹] همین قول را اعتمادالسلطنه تأیید می‌کند که زلزلهٔ سختی روی داده و خرابی زیاد رسانیده، طوری‌که بعضی خانه‌ها از جای خود کنده شده بود. سپس زمین‌لرزه با شدت کم‌تری شهر را لرزانده است. در این سال باران‌های زیادی در شیراز باریده بود[۳۰] که می‌توانست بر خرابی‌ها بیفزاید. کنت دو گوبینو، که حدود ۱۰ سال پس از آن خرابی به شیراز وارد شده بود، گزارش کرده که، در اثر زمین‌لرزهٔ یادشده، همچنان بناهای شهر شیراز خراب و هم‌سطح زمین است و برای عبور از کوچه‌ها باید از روی تل‌های خاک قدم برداشت و آن منظرهٔ زشت و ملال‌آوری است.[۳۱]

بعدها، کسانی که مسجد جامع عتیق را دیدند، منظرهٔ خرابهٔ مسجد را متصور شده و گزارش کرده‌اند. میرزا فرصت شیرازی در ۱۳۰۳ق ویرانی مسجد را به‌چشم دیده و به‌اختصار نوشته است: «اکنون مخروبه‌ای است به‌طوری‌که عالی‌ها سافل شده.»[۳۲] میرزا حسن فسایی نیز به همان نهج در حدود ۱۳۰۴ق توضیح می‌دهد که «اکنون تمام این مسجد وسیعِ رفیع

رو به خرابی است.»[۳۳] اعتمادالسلطنه اظهار داشته که مسجد، «به‌واسطهٔ تصاریف زمان و زلزله‌های متواتر که در شیراز می‌شود، رو به انهدام است.»[۳۴] دیولافوآ، که در ۱۸۸۸م/۱۳۰۵ق به شیراز رسیده بود، گوشه‌وکنار مسجد را گشته و با نگاه دقیق‌تری منظرهٔ مسجد را این‌گونه توصیف کرده است: «باری این مسجد قدیمی با وجود خرابی طاق‌ها و شکست دیوارها، که به‌واسطهٔ زلزله در آن راه یافته، هنوز منظرهٔ باشکوه خود را حفظ کرده است.» دربارهٔ خداخانه گوید: «بام آن خراب شده و منظرهٔ حزن‌آوری دارد.»[۳۵] در کتاب او، دو گراور از وضع خرابهٔ مسجد ترسیم شده است که با جزئیات بیشتری می‌توان اوضاع آشفتهٔ به‌وجودآمده را درک کرد. در زمستان ۱۳۰۱ق نیز زمین‌لرزه‌ای در شیراز روی داد.[۳۶] از خرابی‌های آن گزارشی در دست نیست. مسجد، تا ۱۳۱۴ش، که دانلد ویلبر به شیراز رسیده و با نقشه و تصاویر مفصلی مسجد را مستندسازی و مطالعه کرد،[۳۷] به هیئت ویرانه‌ای به‌جا بود و دگرگونی اساسی در بنای آن رخ نداده بود. مستندات ویلبر از مهم‌ترین اسناد معماری مسجد در واپسین وضع اصیل بناست، یعنی پیش از اینکه یکی دو دهه بعد نوسازی وسیع در مجموعه آغاز شود. با اندکی اغماض، این مستندات سیمای مسجد را دست‌کم در نیم‌سده پیش‌تر می‌نمایاند. پاره‌ای کمبود اسناد و مدارک نوشتاری و تصویری پس از زمین‌لرزه به این نحو می‌تواند جبران شود.

وسعت کلی ویرانی مسجد از روی عکس هوایی دههٔ ۱۳۱۰ش روشن می‌شود (ت ۴). خدای‌خانه ویران شده، طاق ایوان جنوبی و شرقی فرود آمده و ایوان شمالی نیز فروریخته است. شبستان جنوب غربی به‌صورت خرابه‌ای درآمده و سقف منتهی‌الیه شرقی شبستان جنوب شرقی خراب شده و شبستان شمال شرقی به ویرانه‌ای تبدیل شده بود. دیگر فضاها و عناصر مسجد منظر فرسوده و مندرس داشت.

مطابق گراور کتاب دیولافوآ، که ترسیم‌کنندهٔ آن بارکلی‌نام است، برخی خرابی‌ها، به‌ویژه بنای خدای‌خانه و ایوان جنوبی و ضلع متصل به این ایوان معلوم می‌شود (ت ۵). ستون‌های سنگی کنج خدای‌خانه و کتیبهٔ منقور بر سنگ برجای و استوار مانده، اما دیگر جداره‌های

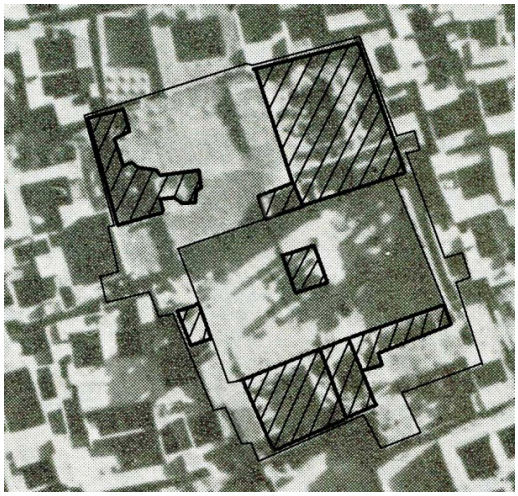

ت ۴. مواضعی که خرابی گسترده در طول دورهٔ قاجاریه در بنای مسجد روی داده بود. مأخذ: نگارنده، بر روی عکس هوایی دههٔ ۱۳۱۰ش.

ت ۵. خدای‌خانه و ضلع جنوبی مسجد جامع عتیق در کتاب مادام دیولافوآ. مأخذ: دیولافوآ، ایران، کلده و شوش: ۴۶۴.

چهارضلع بیرونی، ازجمله ستون‌های ظریف سنگ روی صفه و داخل بنا، فروریخته‌اند. اتاق میانی هرچند دچار آسیب شده، اما کامل از بین نرفته است. همین گراور نشان می‌دهد که روی طبقهٔ هم‌کف اتاق میانی خدای‌خانه عناصر ساختمانی دیگر در تراز بالا وجود داشته که گمان می‌رود این بنا در دو اشکوب بوده است. اعتمادالسلطنه بنای میان صحن را «عمارتی مربع بدیع و رفیع دوطبقه با صنایع عالیهٔ حجاری و بنایی و کتیبه‌های ممتاز» اما رو به انهدام توصیف می‌کند.[۳۸] عکس‌های ویلبر، که حدود ۵۰ سال بعد انداخته شده، خرابی بیشتر خدای‌خانه، ازجمله جدارهٔ جنوبی و شرقی اتاقک میانی و بقایای دیوار اشکوب بالایی را نشان می‌دهد. بنابراین، در آن فاصلهٔ زمانی نه تنها رسیدگی صورت نگرفته، بلکه آسیب ادامه داشته است.

طاق ایوان جنوبی از حدود یک متر بالای پاکار فروریخته و گوشواره‌های بالایی نیز همراه با طاق از بین رفته است. گوشواره‌ها را از روی بخشی از دیوار به‌جامانده می‌توان تشخیص داد. منبر سنگی، که به حدفاصل ایوان و شبستان جنوب غربی چسبیده و به

داخل حیاط پیش آمده، با خرابی‌هایی در جای خود استقرار داشته است. ظاهراً جدارهٔ رو به حیاط شبستان یادشده، که سنگی بود، در زمان بازدید دیولافوآ برجای بود، اما با گذشت زمان عمدهٔ آن فرو ریخت و به تلی از آوار بدل شد (ت ۶).

صحن مسجد، هرچند آشفته و به‌هم ریخته بود، اما عناصر تشکیل‌دهندهٔ آن برجای خود قرار داشت. کف که سنگفرش شده بود در بسیاری از نقاط برآمده و کنده شده و آسیب دیده بود. در صحن، جوی آب و حوض‌های سنگی وجود داشت که در تصاویر به‌چشم می‌خورَد. در چهار گوشه و میان صحن درختانی شاخ و برگ افشانده بودند. جز این‌ها، کتیبه‌های افراشتهٔ سنگی در ساحت جنوب شرقی و شمال غربی وجود داشت که معلوم نیست چه کارکردی داشته و چه بر آن‌ها منقور بود.

ضلع غربی مسجد، که عمق کم و نما و مصالح سنگی داشت، سالم‌تر از دیگر بخش‌های مسجد مانده بود و، با وجود آسیب‌هایی چند، منظر کامل و بی‌نقص‌تری نسبت به دیگر جبهه‌ها نشان می‌داد (ت ۱۲). ضلع شمالی با ایوان گشاده در میانش شناخته می‌شود. شبستان شمال غربی طاق‌بندی شش‌گانه دارد، اما نمای شبستان شمال شرقی کاملاً فرو ریخته و از پوشش فضای داخلی چیزی به‌جا نماند. ایوان شمالی آجری، که طاق نداشته و با آجر برپا شده بود، وضع ساخت نیمه‌کاره‌ای را نشان می‌دهد (ت ۱۵).

ورودی‌های مسجد، هرچند در جای خود قرار داشتند، اما دچار خرابی‌هایی شده بودند. سردر شمالی مسجد، مشهور به دوازده امام، در دورهٔ قاجار برقرار بود، اما عناصر تزئینی زیر طاق (کاربندی یا مقرنس) فرو ریخته و داغ آن به‌چشم می‌خورد. مقرنس کاشی موجود کار نوسازی‌های دورهٔ پهلوی است. آسیب‌هایی به سردرهای ضلع غربی وارد شده و هشتی ورودی جنوب غربی با کاربندی زیر طاق پابرجا مانده بود. هشتی به همراه شبستان جنوب غربی در نوسازی معاصر پاک‌سازی شد.

ت ۶. ضلع جنوبی مسجد جامع عتیق. ویرانی شبستان و فروریختن طاق ایوان و خرابی کف مسجد در این عکس به‌خوبی پیداست. مأخذ: Wilber, *The Masjid-i ʻAtiq of Shiraz*, 40.

۲-٤. تعمیرات مسجد

ظاهراً، پس از خرابی‌های ناشی از زمین‌لرزه و سپس مرور زمان و فرسایش‌های به‌وجودآمده در اثر بارش برف و باران، تلاش جدی برای تعمیر مسجد جامع عتیق صورت نمی‌گرفت. واگذاشتن ویرانهٔ مسجد به‌حال خود شاهدی بر این ادعا تواند بود. با اینکه دیگر ابنیه مانند مسجد جامع نو (اتابکی) و مدرسه خان چند مرتبه به وضع آبرومندی تعمیر شدند، بزرگان و حاکمان شهر به این مسجد کهن توجهی نشان نمی‌دادند. میرزا فرصت شیرازی در کتابش توجه و تذکر داده که «خدای تعالی عمر دهاد شاهنشاه اسلام‌پناه و حکام فارس را که همت به‌مرمتش گمارند و نام نیکی از خود به‌صفحهٔ روزگار گذارند.»[۳۹] شاید یکی از دلایل آن وجود مسجد جامع نو (اتابکی) و مسجد جامع وکیل بوده که، در غیاب مسجد جامع عتیق، همان کارکرد مسجد جامع شهر را ایفا می‌کردند. پس از آن زلزلهٔ مهیب، اهل شیراز به مرمت خرابی‌ها پرداختند[۴۰] و بزرگان و خیّران شهر نیز دست گشاده‌ای در این باب داشتند. حاجی میرزا علی‌اکبر قوام‌الملک شیرازی پس از زمین‌لرزهٔ ۱۲۹۶ق دست به تعمیر مسجد جامع نو گشوده و در آبادانی‌اش کوشیده بود،[۴۱] همان‌طور که مدرسهٔ خان را تعمیری لایق کرده بود. در المآثر و الآثار، تعمیرات تکیهٔ حافظ، آرامگاه شاه‌داعی، باباعلی کوهی و شاهچراغ، سقف بازار و سعدیه در دورهٔ پادشاهی ناصرالدین‌شاه را نام برده، اما در این میان نام مسجد عتیق به چشم نمی‌خورد.[۴۲] پیرامون مسجد رو به آبادانی می‌رفت و بناهای فروریخته تعمیر و بازسازی می‌شد. خانه‌های قاجاری پیرامون مسجد که تا یکی دو دهه پیش وجود

داشتند،[۴۳] نشان می‌دهد که مردم در نیمهٔ دوم سدهٔ سیزدهم و سدهٔ چهاردهم هجری در محله‌های اطراف مسجد جامع عتیق سکونت از سر گرفته و خانه‌های خویش را برپا می‌داشتند. به‌گفتهٔ میرزا حسن فسایی در فارسنامهٔ ناصری، کسانی پس از خراب شدن مسجد طاهریه (که بر جانب قِبلی مسجد جامع عتیق قرار داشته) بقایای آن را پاک‌سازی و زمینش را متصرف شده و بر جایش طویله ساخته بودند. به‌دستور معتمدالدوله فرهادمیرزا، حاکم شیراز، پیِ مسجد مذکور را درآوردند و مسجد را بر جای اولیه بازسازی کردند.[۴۴] مدرسهٔ مقیمیه در کنار همین مسجد نیز پس از زمین‌لرزه به‌حال نیمه‌ویران درآمده بود که تعمیراتی در آن صورت گرفت. با این وصف، پذیرش بی‌توجهی به تعمیر و آبادانی مسجد جامع عتیق دشوار می‌نماید.

اگر به قول کوتاه اعتمادالسلطنه در مرآةالبلدان اتّکا کنیم، که ذکر کرده مسجد «مکرر تعمیر شده ولی باز زلزله‌ها آن را خراب [می‌کند]»،[۴۵] ممکن است مقصود او را این‌گونه دریابیم که اشاره به تعمیر مسجد در دورهٔ قاجاریه هم دارد. مصحح فارسنامهٔ ناصری به تعمیرات ۱۲۹۲ق در مسجد جامع عتیق اشاره دارد[۴۶] اما مأخذ او را نمی‌دانیم. گمان مبهمی مبنی بر تعمیرات مسجد جامع به‌فرمان فرهاد میرزا معتمدالدوله وجود دارد که به‌قول محیط طباطبایی در نسخهٔ خطی کتابی از حاکم نام‌برده ذکر شده است.[۴۷]

هرچند در تاریخ‌نامه‌های قاجاری تا حدودی دربارهٔ مسجد سکوت اختیار شده، اما در دیوان فتحعلی‌خان صبا، شاعر دربار ناصرالدین‌شاه قاجار که در خلال شعری در مدح ابراهیم‌خان و تعمیر بنای مسجد جامع شیراز، ضمن وصف خرابی‌ها، به تعمیرات مسجد توسط نامبرده در ۱۲۴۴ق اشارهٔ صریح دارد.

«آسمانِ عقل و دین سرمایهٔ عز و علا
آفتابِ قدر و شأن پیرایهٔ مدح و ثنا
حاجی ابراهیم فخر دودمان بوالبشر
قبلهٔ قدر و جلالت کعبهٔ عز و علا ...
هر کجا رأیش مهندس گشت معمار سپهر
رشته بهر استوا دادش ز خط استوا
عالم از معماری جودش بسی معمور گشت
خاصه شیراز آن همایون خطهٔ عشرت‌سرا ...
مسجد جامع که گشت از سیر این دهر کهن
از کف بنیان آن دامان آبادی رها
نه در آن بامی که بومی را تواند شد وطن
نه در آن جایی که موری را تواند گشت جا
گشت یک‌جا با زمین از حادثات آسمان
سقف ایوانش که بر ایوان کیوان زد قفا
دید چون معمار لطف آن خداوندش چنین
کرد معمورش چنان از یاری لطف خدا
کز فضای ساحت آن تنگدل آمد زمین
وز سموّ منظر آن شرمسار آمد سما ...
الغرض چون دید پیر عقل از بخت جوان
زیور آبادی از بانی در آن فرخ بنا
با صبا گفتا پی تاریخ تعمیرش چنین
کرد ابراهیم ثانی کعبهٔ دوم بنا»[۴۸]

سال مرگ صبا، بنا به ذکر تذکره‌نویسان، ۱۲۳۷ یا ۱۲۳۸ق بوده است.[۴۹] پس، این ماده‌تاریخ (۱۲۴۴ق) با حیات شاعر مطابقتی ندارد، اما با حیات حاجی ابراهیم‌خان کلانتر شیرازی تطبیق می‌کند. او از ۱۲۱۶ق «تا ۱۲۲۶ بی‌منازعه به لوازم امور کلانتری پرداخت و چون از منصب کلانتری معزول گردید، از کارهای دیوانی اعراض نموده، در خانهٔ عافیت خود بنشست و در سال ۱۲۴۶ وفات یافت.»[۵۰] نمی‌دانیم شعرِ کس دیگری در دیوان صبا وارد شده یا سهو دیگری روی داده است. این ابهام، هرچه باشد، به‌واسطهٔ این شعر، شواهد تعمیرات منتسب به ابراهیم‌خان را می‌توان پی‌جویی کرد. با توجه به محتوای شعر، معلوم می‌شود در روزگار حکومت فتحعلی‌شاه مسجد «از سیر این دهر کهن، از کف بنیان آن دامان آبادی رها» شده و خرابی زمین‌لرزهٔ ۱۲۳۹ق در بام و بر آن چنان روی نموده بود که نیاز به مرمت پیدا کرده و به آبادی‌اش اقدام شد.

شعری که بر سنگاب مسجد عتیق کنده شده و محمدعلی مخلصی آن را خوانده نام ابراهیم‌خان را بر خود دارد (ت ۷ و ۸) و بر صحت این اقدام تعمیراتی تأکید می‌کند. بنابراین، بانی ساخت سنگاب و بانی تعمیرات مسجد می‌تواند یک تن باشد. دو مصرع از اشعار منقور بر دوازده ضلع سنگاب به این مضمون است:

آنکه از ملک سلیمان زیب و زینت یافته
صاحب اقبال و عز و دولت ابراهیم‌خان[۵۱]

شواهد تعمیرات

مطابق اسناد تصویری که پیش از نوسازی‌های معاصر به‌جا مانده، سه نوع تعمیرات یا اقدامات که ویژگی‌های ساختمانی دورهٔ قاجاریه دارد در مسجد قابل تشخیص است:

الف. تعمیر با استفاده از اندود: تا سال ۱۳۹۸ش، شواهد تعمیراتی بر بدنهٔ ایوان جنوبی دیده می‌شد که شامل اندودهای خرمایی‌رنگ لابه‌لای بدنه‌های آجر و کاشیکاری ایوان جنوبی بود (ت ۹ و ۱۰). آرایه‌های آجر و کاشی بدنه‌های داخلی ایوان فرو ریخته بود و، برای پیشگیری از ادامه و دامنه‌دار شدن خرابی این آرایه‌های نفیس دورهٔ صفویه، اندودی هم‌سطح با بدنه‌های اصیل کشیده شد. در هر سه جدارهٔ ایوان این اندودها به‌چشم می‌خورد. شیوهٔ کار، که باید آن را مرمت اضطراری دانست، در این دوره مرسوم بوده است. مثلاً علی‌خان والی از بقعهٔ شیخ‌صفی در اردبیل عکسی برداشته که این شیوهٔ مرمت را نشان می‌دهد (ت ۱۱). شاید چنین اقدامی در مواضع دیگر مسجد انجام شده بود، اما شواهدی از آن در اسناد یا بر سر بنا نمی‌توان یافت.

دالان جنوبی مسجد، واقع در پشت ایوان، که

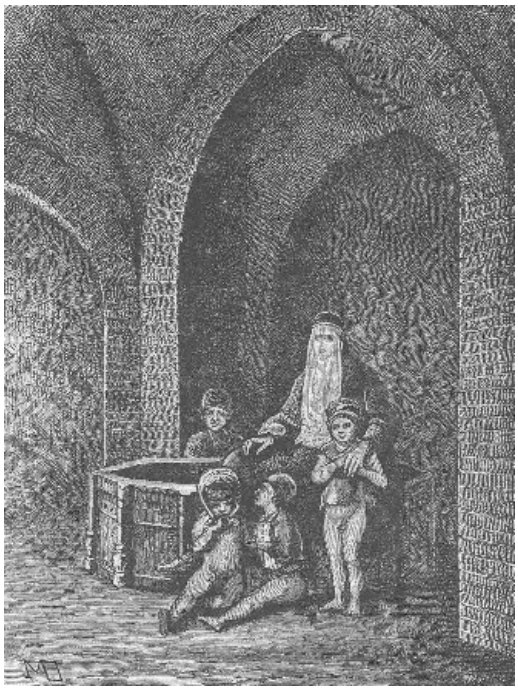

ت ۷: سنگاب مسجد جامع عتیق در دورهٔ قاجاریه که تا دههٔ ۱۳۱۰ش در یکی از زوایای مسجد، پشت سردر ورودی شمال غربی قرار داشت. مأخذ: دیولافوآ، ایران، کلده و شوش.

ت ۸. کتیبهٔ روی یکی از اضلاع سنگاب که نام ابراهیم خان (حاج ابراهیم‌خان کلانتر شیرازی) کنده شده است. مأخذ: مخلصی، ۹۴.

ت ۹. بدنهٔ غربی ایوان جنوبی. اندود تعمیراتی خرمایی رنگ با هاشور نشان داده شده است. مأخذ: نگارنده، ۱۳۸۴.

ت ۱۰. بدنهٔ غربی ایوان جنوبی. ت نمای نزدیک از اندود تعمیراتی خرمایی رنگ. مأخذ: نگارنده، ۱۳۸۴.

از کهن‌ترین فضاهای مسجد محسوب می‌شود، آثار لایه‌های تعمیراتی گوناگون بر سطوح ستون‌ها و جرزها به‌خوبی پیدا بود و آخرین لایهٔ تعمیراتی به‌احتمال زیاد مربوط به دورهٔ قاجاریه بوده است.

ب. نوسازی و بازآرایی: شواهد نوسازی نسبتاً گسترده‌ای در تصاویر قدیمی قابل تشخیص است که شامل سراسر جبههٔ شمالی و بخشی از جبههٔ جنوبی می‌شود (ت ۱۲ و ۱۳). مشخصهٔ این اقدام ساختمانی ساخت جدارهٔ جدیدی برای صحن با استفاده از آجر و آرایه‌های کاشی معقلی بوده، به این نحو که زمینهٔ لچکی‌های دو جانب چفدها و شرفی بام آرایه‌بندی شده داشته است (ت ۱۵ و ۱۶). نمای بدنه‌ها و مصالح اصلی مسجد سنگی بوده و، با افزوده‌های دورهٔ صفویه، آجر و کاشی در قامت ایوان‌ها و سردرها وارد بنا گردید. مداخلهٔ قاجاری با زمینهٔ آجری به‌طور سراسری در نماهای صحن به‌اجرا درآمد. بر اساس یکی از عکس‌های ویلبر، می‌توان نتیجه گرفت که این نماسازی به‌صورت الحاقی بر نمای سنگی پیشین کار شده بود (ت ۱۴).

این شیوهٔ ساختمانی الهام‌بخش معمارانی شد که در دههٔ ۱۳۲۰–۳۰ش دست به نوسازی وسیع در مسجد می‌زدند. آنان در نهایت همهٔ جداره‌های مسجد را با این الگو کار کردند و سیمای بنا را از سنگی به آجری دگرگون ساختند. به‌این ترتیب، در مسجد عتیق، میراث مداخلات صفویه و قاجاریه، بدون درنظر گرفتن شواهد ساختمانی کهن‌تر، برتری یافت.

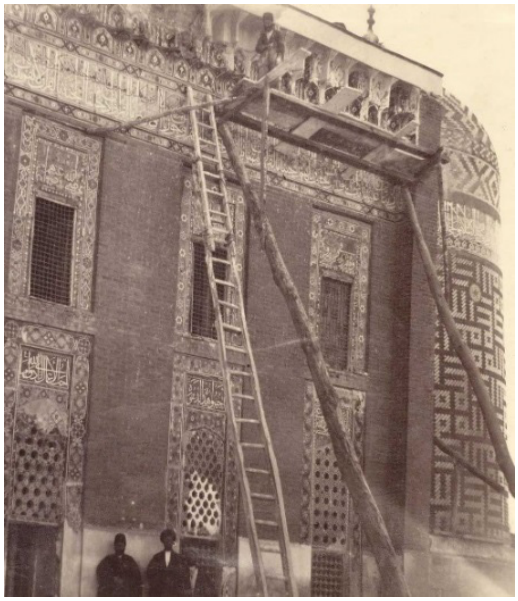

ت ۱۱. بدنهٔ بیرونی کاشی‌کاری مجموعهٔ شیخ‌صفی در حال انجام مرمت اضطراری با استفاده از اندود در دورهٔ قاجاریه. مأخذ: آلبوم علی‌خان والی، عکس ۱۰۵.

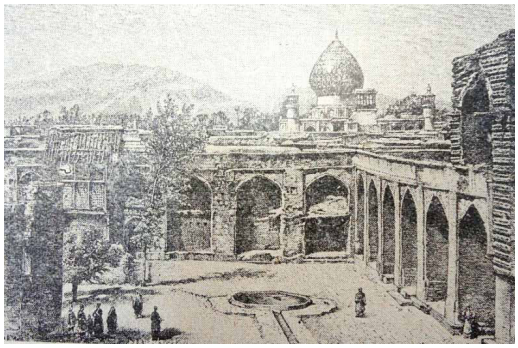

ت ۱۲. ضلع شمالی و غربی مسجد در دورهٔ قاجاریه. مأخذ: دیولافوآ، ایران، کلده و شوش: ۴۶۱.

ت ۱۳. ضلع شمالی و غربی مسجد، که ویلبر در ۱۹۳۳م/ ۱۳۱۲ش گرفته، بازگوکنندهٔ وضع مسجد در دورهٔ قاجاریه است. مأخذ: Archnet.org/sites/1665.

ت ۱۴. الحاق پوستهٔ آجری به بدنهٔ سنگی مسجد در عکسی که از کنج شمال غربی انداخته شده معلوم می‌شود. مأخذ: Wilber, *The Masjid-i ʻAtiq of Shiraz*: 45.

ج. ساخت ایوان شمالی و تعمیرات دیگر: درحالی‌که ایوان‌های جنوبی و شرقی به‌حال ویران رها شده بودند، ایوان شمالی را در دورهٔ قاجاریه آغاز به نوسازی کردند. این ایوان روی ایوانی قدیمی‌تر برپا می‌شد، چنان‌که ویلبر شواهد آن را به‌دست داده است.[۵۲] از گراور دورهٔ قاجار و تصاویر پس از آن معلوم می‌شود

که طاق زده نشده و دیوارها به‌صورت لاریز (دندانه‌دار) اجرا شده که بعداً آرایه‌های کاشی و غیره را به‌عنوان نما کار کنند (ت ۱۲، ۱۳ و ۱۷). همین ایوان نیمه‌کاره را در دورهٔ معاصر، با برداشتن بخش جلویی و حذف یک فرش‌انداز در سراسر جبههٔ شمالی، به شکل موجود کامل کردند.

شواهد تعمیرات در حوالی ایوان جنوبی، جز آنچه که گفته شد، در تصاویر پیش از نوسازی دیده می‌شود. این تعمیرات مربوط به بازسازی عناصر ویران‌شدهٔ غرفهٔ غربی ایوان است که نیمه‌کاره مانده بود. پیش از آن، جداره‌سازی در نمای جنوب شرقی صحن که به ایوان جنوبی متصل می‌شود اجرا شده بود (ت ۱۸).

۳. استنباط‌ها

ترتیب زمانی تعمیرات گونه‌گون، که یاد شد، هرچند بااهمیت است، اما پاره‌ای ابهامات دارد و اینکه جز حاجی ابراهیم کلانتر کس دیگری که به مرمت و احیای مسجد عتیق اهتمام ورزیدند نمی‌شناسیم.

به‌درستی نمی‌توان تشخیص داد که جداره‌سازی صحن و ساخت ایوان شمالی هم‌زمان بوده یا زمان دیگری به سراغ ایوان رفتند. تفاوت میان نحوهٔ ساخت جداره‌سازی صحن و ایوان تا حدودی مشخص است (ت ۱۵ و ۱۶)، اما اینکه این تفاوت مبین تفاوت زمانی است یا اقدامی در یک زمان را بیان می‌دارد به‌درستی روشن نیست.

تعمیرات اضطراری به‌گمان مربوط به پیش از ویرانی گسترده در بخش‌های گوناگون مسجد است، زیرا فضایی مانند ایوان جنوی طاقش برپا بود و با رسیدگی این‌چنینی می‌شد از فضاها بهره‌برداری کرد. جداره‌سازی در جبهه‌های صحن همراه را، با تعمیرات دیگری که نمی‌شناسیم، می‌توان به اقدامات پس از زمین‌لرزهٔ ۱۲۳۹ق و ترمیم خرابی‌های ناشی از آن نسبت داد. با این وصف، به کار آبادانی ابراهیم‌خان کلانتر شیرازی نزدیک است. ابراهیم‌خان در ۱۲۴۶ق فوت کرد و، اگر زنده مانده بود، شاید بیش از این به تعمیر مسجد می‌پرداخت.

ساخت بنای نیمه‌کارهٔ ایوان شمالی نمی‌تواند در

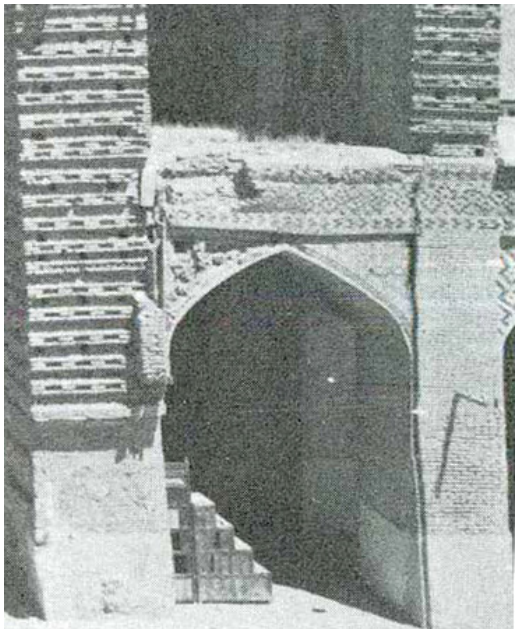

ت ۱۵. جزئیات نماسازی مربوط به نوسازی دورهٔ قاجاریه. غرفهٔ شرقی ایوان شمالی. مأخذ: Wilber, *The Masjid-i 'Atiq of Shiraz*: 54.

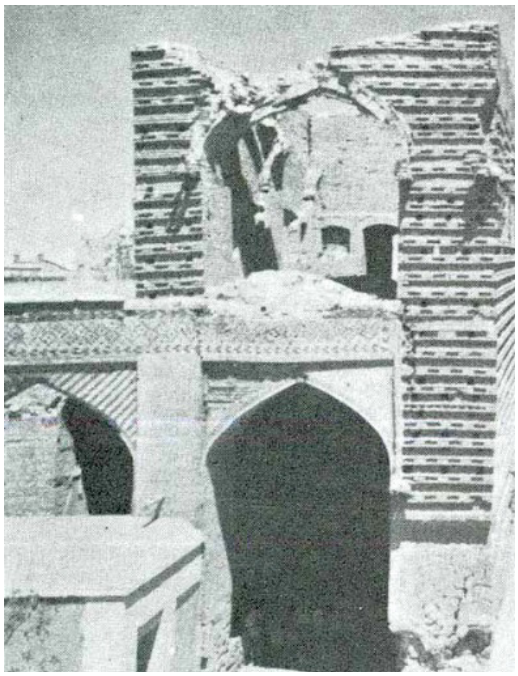

ت ۱۶. جزئیات نماسازی مربوط به نوسازی دورهٔ قاجاریه. غرفهٔ غربی ایوان شمالی. مأخذ: Wilber, *The Masjid-i 'Atiq of Shiraz*: 54.

ت ۱۷. ایوان شمالی در وضعیت نیمه‌کاره. مأخذ: Wilber, *The Masjid-i 'Atiq of Shiraz*: 48.

همین بازهٔ زمانی صورت گرفته باشد، زیرا فن ساخت آن با اقدام جداره‌سازی‌ها تفاوت عمده دارد و این دو از نظر بنّایی با یکدیگر اتصال و چفت و بست منطقی ندارند. شاید ساخت ایوان پس از زمین‌لرزهٔ ۱۲۶۹ق و توسط کس دیگری صورت گرفته باشد. تعمیرات کنار ایوان جنوبی مبین چنین وضعی است؛ یعنی با جداره‌سازی دورهٔ قاجاری تفاوت دارد و بازسازی چندی پس از آن را نشان می‌دهد.

در مجموع، پس از زمین‌لرزهٔ ۱۲۶۹ق مسجد جامع عتیق به‌حال خود وانهاده شد و کوششی برای ترمیم ویرانی‌ها و بازگرداندن بنا به چرخهٔ زندگی پویا به‌عمل نیامد، هرچند مسجد در دل بافت مسکونی، متصل به بازار شهر و زیارتگاه شاهچراغ، قرار داشت و به‌عنوان گره‌گاهی ارتباطی محل آمدوشد روزانهٔ مردم بود و باید محل پاکیزه و قابل بهره‌برداری به‌حساب می‌آمد.

ت ۱۸. اقدامات تعمیراتی کنار ایوان جنوبی. بازسازی بخش‌های ویران‌شده که نیمه‌کاره مانده است. مأخذ: Wilber, *The Masjid-i 'Atiq of Shiraz*: 58.

نتیجه‌گیری

مسجد عتیق شیراز، تا رسیدن به روزگار قاجاریه، سیر تاریخی و معماری چندی را از سر گذراند، به‌طوری‌که فضاها و اندام‌های این بنا ساختهٔ دوره‌های گوناگون بود و، با وجود مساجد گوناگون در شهر، از وسیع‌ترین و مشهورترین مساجد شیراز محسوب می‌شد.

روزگار قاجاریه حیات متفاوت و پرتلاطم مسجد به‌شمار می‌رود. زمین‌لرزه‌های مداوم امان از مسجد بریده بود. این رویدادهای ویرانگر بسیاری از بناهای کهن شیراز را مطمور و برای همیشه محو ساخت و بناهای باقی مانده هم دچار نوسازی‌های زیاد شدند. در این پژوهش روشن شد که تعمیرات و نوسازی‌هایی پس از زمین‌لرزهٔ نخست در ۱۲۳۹ق صورت گرفت که بانی آن حاجی ابراهیم‌خان کلانتر شیرازی بود. مسجد، پس از زمین‌لرزهٔ مهیب دوم در ۱۲۶۹ق، با انجام تعمیراتی ناچیز، به‌حال ویران وانهاده شد و تا پایان روزگار قاجاریه به همان حال باقی ماند و تا دههٔ دوم ۱۳۰۰ خورشیدی کسی دست به آبادانی بنایش نبرد. با استفاده از اندک داده‌های تاریخی و برخی شواهد معدود و اسناد تصویری، سیمای مسجد جامع عتیق در روزگار قاجار به‌دست داده شد که بیشتر حکایت ویرانی و تلاش‌های چندی برای آبادانی این بنای کهن است.

شاید اسناد دیگری هم وجود داشته باشد که بسیاری از ابهامات شناختی مسجد جامع عتیق را به روشنایی بیشتری نزدیک سازد. در دسترس قرار گرفتن اسناد و یادداشت‌های منتشرنشده می‌تواند در چنین پژوهشی مفید واقع شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران.

zatnikzad@yahoo.com

۲. حسینی فسایی، فارسنامهٔ ناصری: ۱۲۱۲؛ شیبانی و نیک‌زاد، مسجد عتیق شیراز: ۱۱.

۳. ویلبر، ۱۶، ۲۳ و ۲۴.

۴. بهروزی، جامع عتیق شیراز، قدیمی‌ترین مسجد فارس: ۵۴.

۵. شیبانی و نیک‌زاد، بازشناسی مسجد عتیق شیراز: ۴۴.

۶. بیضاوی، نظام‌التواریخ: ۵۶. جنید شیرازی، شدالأزار فی حط الاوزار عن زوارالمزار: ۲۸۷.

۷. مقدسی، احسن‌التقاسیم في معرفه‌الأقالیم: ۶۴۱.

۸. ابن بلخی، فارسنامه: ۱۳۳.

۹. ابن‌بطوطه، رحله: ۲۱۷.

۱۰. قمی، گلستان هنر: ۸۳.

۱۱. بهروزی، همان: ۶۸، ۶۹.

۱۲. همان: ۷۷؛ سامی، شیراز، دیار سعدی و حافظ: ۳۱۲.

۱۳. عدل، هنر و جامعه در جهان ایرانی: ۳۴۵.

14. Wilber, *The Masjid-i' Atiq of Shiraz*: 7.

۱۵. بهروزی، همان: ۴۲ و ۴۴؛ سامی، همان: ۳۱۸ و ۳۱۹؛ Wilber, Ibid: ۷, ۸.

16. Wilber, *Ibid*: 28.

۱۷. حسینی فسایی، همان: ۱۲۱۳.

۱۸. ابن‌بطوطه، همان: ۲۱۷.

۱۹. حسینی فسایی، همان: ۱۰۳۸.

۲۰. فرصت شیرازی، آثار عجم: ۴۳۵.

۲۱. اعتمادالسلطنه، مرآة البلدان: ۲۰۱۷.

۲۲. حسینی فسایی، همان: ۱۰۸۲ و ۱۰۸۳.

۲۳. فرصت شیرازی، همان: ۴۳۶.

۲۴. حاج سیاح، خاطرات حاج سیاح: ۱۷.

۲۵. دیولافوآ، ایران، کلده و شوش: ۴۶۵.

۲۶. حسینی فسایی، همان: ۷۲۴ و ۷۲۵.

۲۷. وصال شیرازی، دیوان وصال شیرازی.

۲۸. سپهر، ناسخ‌التواریخ: ۱۲۱۲.

۲۹. حسینی فسایی، همان: ۲۵۴ و ۱۲۱۳.

۳۰. اعتمادالسلطنه، همان، ج ۲ و ۳: ۱۱۴۸، ۱۱۵۹ و ۱۱۶۵.

۳۱. دو گوبینو، سه سال در آسیا: ۱۲۸.

۳۲. فرصت شیرازی، همان: ۴۳۶.

۳۳. حسینی فسایی، همان: ۱۲۱۲.

۳۴. اعتمادالسلطنه، همان، ج ۴: ۲۰۱۸.

۳۵. دیولافوآ، همان: ۴۶۳ و ۴۶۵.

۳۶. حسینی فسایی، همان: ۱۲۱۳.

37. Wilber, *Ibid*.

۳۸. اعتمادالسلطنه، همان، ج ۴: ۲۰۱۷.

۳۹. فرصت شیرازی، همان: ۴۳۶.

۴۰. اعتمادالسلطنه، همان: ج ۲ و ۳: ۱۱۶۵.

۴۱. حسینی فسایی، همان: ۲۵۴ و ۱۲۱۳.

۴۲. اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار: ۹۷، ۱۱۰ و ۱۱۳.

۴۳. خانه‌های تاریخی بافت پیرامون مسجد جامع در جریان توسعهٔ زیارتگاه شاهچراغ تخریب شدند.

۴۴. حسینی فسایی، همان: ۸۶۱.

۴۵. اعتمادالسلطنه، مرآة البلدان، ج ۴: ۲۰۱۸.

۴۶. رستگار فسایی، «مقدمه»: ۳۶.

۴۷. محیط طباطبایی، «خانهٔ سعدی»: ۲۳۲.

۴۸. صبا، دیوان اشعار: ۳۰ و ۳۱.

۴۹. نجاتی، «مقدمه»: سی‌ونه.

۵۰. حسینی فسایی، همان: ۱۰۲۷.

۵۱. مخلصی، «پژوهشی در تاریخ و قدمت سنگاب تاریخی مسجد جامع عتیق شیراز»: ۹۴ و ۹۶.

52. Wilber, *Ibid*: 17.

کتاب‌نامه

ابن‌بطوطه (۱۳۶۱ش). رحله (سفرنامه)، ترجمهٔ محمدعلی موحد، تهران.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۶۲). المآثر و الآثار، چهل سال تاریخ ایران، ج ۱، به‌کوشش ایرج افشار، تهران: اساطیر.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۶۸). مرآة‌البلدان، ج ۲ و ۳ و ۴. به‌کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران: مؤسسهٔ انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

بیضاوی، قاضی ناصرالدین (۱۳۸۲ش). نظام‌التواریخ، ترجمهٔ میرهاشم محدث، تهران.

بهروزی، علی‌نقی (۱۳۴۰). جامع عتیق شیراز، قدیمی‌ترین مسجد فارس، شیراز.

جنید شیرازی، معین‌الدین ابوالقاسم (۱۳۲۸). شد الأزار في حط الاوزار عن زوار المزار، تهران.

حاج سیاح، محمدعلی (۱۳۵۹). خاطرات حاج سیاح یا دورهٔ خوف و وحشت، به‌کوشش حمید سیاح و تصحیح سیف‌الله گلکار، تهران: امیرکبیر.

حسینی فسایی، حاج میرزا حسن (۱۳۷۸). فارسنامهٔ ناصری، ج ۱ و ۲. تصحیح و تحشیهٔ دکتر منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر.

رستگار فسایی (بی‌تا). «مقدمه»، در: حسینی فسایی.

گوبینو، ژوزف آرتور (۱۳۸۳). سه سال در آسیا (سفرنامهٔ کنت دوگوبینو ۱۸۵۵-۱۸۵۸)، ترجمهٔ عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: قطره.

دیولافوآ، مادام ژان (۱۳۷۶)، ایران، کلده و شوش، ترجمهٔ علی‌محمد فره‌وشی، تهران: دانشگاه تهران.
سامی، علی (۱۳۴۷). شیراز، دیار سعدی و حافظ، شیراز.
سپهر، میرزا محمدتقی‌خان لسان‌الملک (۱۳۸۱). ناسخ‌التواریخ، ج ۲، به‌اهتمام جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.
صبا، فتحعلی‌خان (۱۳۴۱). دیوان ملک‌الشعرا فتحعلی‌خان صبا، به‌کوشش محمدعلی نجاتی، تهران: اقبال.
عدل، شهریار (۱۳۷۹). «بنای خداخانه در میان صحن مسجد جامع عتیق شیراز از دید بهزاد»، هنر و جامعه در جهان ایرانی، تهران.
فرصت شیرازی، محمدنصیر میرزا آقا (۱۳۵۳ق). آثار عجم، بمبئی.
قمی، قاضی احمد (۱۳۸۳). گلستان هنر، به‌کوشش احمد سهیلی خوانساری، تهران.
محیط طباطبایی، سیدمحمد (۱۳۵۲). «خانهٔ سعدی»، مجلهٔ یغما، ش ۳۰۰، ص ۸۳-۹۱.
مخلصی، محمدعلی (۱۳۹۶). «پژوهشی در تاریخ و قدمت سنگاب تاریخی مسجد عتیق شیراز»، اثر، ش ۷۸، ص ۸۹-۹۸.
مصطفوی، محمدتقی (۱۳۸۲). اقلیم پارس. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
مقدسی، شمس‌الدین ابوعبدالله محمدبن احمد (۱۳۸۷). احسن‌التقاسیم فی معرفه‌الأقالیم، ج ۲. ترجمهٔ علینقی منزوی، قم.
مهریار، محمد و دیگران (۱۳۷۸). اسناد تصویری شهرهای ایران در دورهٔ قاجاریه، تهران: دانشگاه شهید بهشتی و سازمان میراث فرهنگی کشور.
نجاتی، محمدعلی (بی‌تا). «مقدمه»، در: صبا، فتحعلی‌خان.
وصال شیرازی (۱۳۶۱). کلیات وصال شیرازی، به‌سعی و اهتمام محمد عباسی، تهران: کتابفروشی فخر رازی.

Pope, Artur (1967). *A Survey of Persian Art.* Vol VIII. Teheran & London.

Wilber, Donald N. (1972). *The Masjid-i ‘Atiq of Shiraz*. Shiraz.